ذره‌بین

جزییات بازداشت دزد مسلح جواهرفروشی سجادیه

شهروند| مرد مسلح که سرقت مسلحانه در پرونده خود داشت در بازجویی‌های پلیسی از کلاهبرداری‌های او در پوشش جعل عناوین دولتی پرده برداشته شد. متهم در یک سرقت مسلحانه جواهرفروشی توسط مغازه‌داران دستگیر شده بود.

ظهر ۳۰ اردیبهشت‌ماه سرقت مسلحانه از یک طلافروشی در منطقه فلاح – خیابان سجاد شمالی به یک‌لانتری ۱۶۱ ابوذر اعلام شد. با حضور مأموران در محل سرقت مشخص شد که یک سارق مسلح در درگیری با صاحب طلافروشی اقدام به شلیک گلوله در داخل مغازه کرده که با حضور شهروندان در محل و بستن کرکره آهنی مغازه توسط آنها، سارق موفق به فرار نشده و متهم در محل سرقت دستگیر و به کلانتری منتقل شده‌است.

صاحب طلافروشی به کارآگاهان گفت: ظهر بود که مردی ۳۵ساله وارد مغازه شد و یک عدد سرویس طلا سفارش داد؛ قصد داشتم سینی سرویس را از ویترین بیرون بیاورم که ناگهان از پشت‌سر اسلحه را روی سرم گذاشت و تهدید به شلیک کرد اما با این وجود و در یک لحظه، از غفلت‌وی در حین سرقت طلاو جواهرات از داخل پیشخوان استفاده کرده و با او درگیر شدم؛ در زمان درگیری، ناگهان گلوله‌ای از اسلحه شلیک و به شیشه ویترین مغازه برخورد کرد؛ گلوله باعث تخریب شیشه ویترین مغازه شد و همین موضوع باعث شد تا سایر کسبه و همسایگان در جریان سرقت مسلحانه قرار گیرند، آنها کرکره آهنی مغازه را بستند تا مانع از فرار سارق شوند و بلافاصله موضوع را به پلیس اطلاع دادند؛ فرد سارق نیز که خود را گرفتار در داخل مغازه دیده و اسلحه کمری‌اش نیز در حین درگیری از دستش خارج و به پشت پیشخوان افتاده بود، چاره‌ای جز تسلیم‌نداشت.

متهم «سعید» ۳۴ ساله نیز در اظهاراتی مشابه به کارآگاهان گفت: با یک اسلحه کمری به مغازه طلافروشی واقع در خیابان سجاد شمالی رفتم و یک سرویس طلا انتخاب کردم؛ بعد از این که مغازه‌دار سرگرم کار شد، اسلحه کمری خود را از داخل کیف بیرون آورده و پشت سرش گذاشتم؛ باوجود تهدیدمن، طلافروش، بامن درگیر شد که در حین درگیری به زمین افتادم و در کشمکش مابین من و مغازه‌دار، یک تیر شلیک شد که به شیشه مغازه برخورد کرد؛ درحالی که همچنان قصد فرار از داخل مغازه را داشتم، متوجه شدم که کرکره آهنی مغازه توسط اهالی محل بسته شده و من راهی برای فرار از محل ندارم که پس از حضور مأموران، دستگیر و به کلانتری منتقل شدم. در ادامه رسیدگی به پرونده کارآگاهان به مخفیگاه متهم در منطقه فلاح – میدان بهاران مراجعه و در بازرسی از این محل با مدارک شناسایی روبه‌رو شدند که متعلق به فرد دیگری بود.

با شناسایی و مراجعه صاحب مدارک شناسایی، او در اداره یکم آگاهی حاضر و پس از شناسایی متهم، در اظهارات خود عنوان داشت: «این مرد تحت عنوان مأمور ارگان‌های دولتی و ادعای داشتن ارتباطات نزدیک با برخی از مسئولان و اعضای خانواده آنها اقدام به کلاهبرداری از من کرده‌است.»

زن شاکی در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: «از حدود چند ماه پیش با متهم آشنا شده بودم. ادعامی کرد افراد زیادی را در ارگان‌های مختلف می‌شناسد. در فروردین ماه امسال بود که تصادف سختی با ماشین خود کردم و به همین علت مجبور به فروش آن شدم؛ از او جهت تحویل یک خودرو تقاضای کمک کردم. این مرد ادعا داشت که یکی از سنگال نزدیکش در یکی از شرکت‌های خودروسازی دارای پست مدیریتی است و می‌تواند در کوتاه‌ترین زمان و با شرایط مناسب اقدام به تحویل یک خودرو از شرکت خودروسازی برای من کند. به این بهانه پول حاصل از فروش خودرو را از من تحویل گرفت. در روز تحویل پول، متهم به در خانه ما آمد و کیف خود را باز و یک اسلحه به من نشان داد و ادعا کرد که او با برخی از مسئولان و اعضای خانواده‌های آنها ارتباط نزدیکی دارد و پس از آن مدعی شد که خودرو را در کمترین زمان ممکن از شرکت خودروسازی تحویل گرفته و به من تحویل خواهد داد اما پس از آن دیگر هیچ خبری از وی نشد.» در ادامه رسیدگی به پرونده، متهم در اعترافات خود عنوان کرد که اسلحه کمری را به مبلغ ۱۱ میلیون تومان و از مردی در منطقه گوهردشت کرج خریداری کرده است؛ بلافاصله مخفیگاه این شخص در منطقه گوهردشت شناسایی شد و کارآگاهان توانستند وی را دستگیر کنند.

با توجه به اعتراف متهم به «سرقت مسلحانه» و شناسایی شاکیان جدید با موضوع «کلاهبرداری به شیوه جعل عناوین دولتی»، متهم با قرار بازداشت قانونی و جهت شناسایی دیگر جرایم ارتکابی در اختیار اداره یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

زن ۴۵ ساله شریک کاری‌اش را در کرمانشاه با اسید سوزاند

انتقام‌گیری اسیدی، پایان یک تجارت قدیمی

شهروند| زن ۴۵ ساله که در یک قرار تجاری روی شریک کاری‌اش اسید پاشیده بود، در بیمارستان دستگیر شد. عامل اسیدپاشی که خود نیز دچار سوختگی شده بود برای مداوا به بیمارستان رفت اما نمی‌دانست پلیس در تعقیب اوست.

عصر روز شنبه نهم خردادماه بود که شریک کاری پسر جوان با او تماس گرفت. با هم اختلاف حساب داشتند و حتی پرونده‌ای هم در دادسرا تشکیل داده بودند. باهم قرار گذاشتند تا به اختلافاتشان پایان دهند. هوا تاریک شده بود که پسر جوان خود را به خیابان ۲۲ بهمن چهارراه ارشاد کرمانشاه رساند. پسر جوان با خودرواش در محل قرار منتظر بود که شریکش را دید. زن ۴۵ ساله در خودرو را باز کرد و پسر هم ماشین را روشن کرد تا حرکت کند، ولی اتفاق وحشتناکی همه چیز را تغییر داد این زن پیش از سوار شدن، ظرفی را روی سر و صورت جوان خالی کرد و متواری شد. قربانی در یک لحظه همه جا برایش تاریک شد و تمام صورتش شروع به سوختن کرد. بلورش نمی‌شد که قربانی چنین اتفاق وحشتناکی شده باشد. فریادهای سوختم سوختم توجه همه را به خود جلب کرد. مردم دور او جمع شده بودند و خیلی زود سعی کردند وی را به بیمارستان منتقل کنند. همان لحظات اول همه متوجه شدند که این پسر قربانی اسیدپاشی شده است. پسر جوان خیلی زود به بیمارستان طالقانی منتقل شد. پزشکان پس از معاینات لازم میزان سوختگی وی را شدید اعلام کردند. پسر جوان که قربانی اسیدپاشی شده بود، تحت مداوا قرار گرفت.

پلیس وارد عمل شد

با مخابره شدن گزارش اسیدپاشی در چهارراه ارشاد، پلیس به‌سرعت خود را به محل حادثه رساند و تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کرد. هنوز هیچ اطلاعاتی در مورد این که این پسر از سوی چه کسی قربانی اسیدپاشی شده در دست نبود. خود قربانی هم به دلیل وخیم بودن حالش نمی‌توانست صحبت کند. تحقیقات روی این پرونده ادامه داشت تا این که چند ساعت بعد زن ۴۵ ساله‌ای به‌همان بیمارستان مراجعه کرد که از ناحیه دو دستش دچار سوختگی شده بود. آن هم سوختگی با اسید؛ همین موضوع ظن کارآگاهان را برانگیخت و آنها به تحقیق از وی پرداختند. این زن همان اسیدپاش انتقامجو بود که به خاطر اختلافات کاری و مالی با شریکش دست به چنین اقدام وحشتناکی زده بود.

پس از چند ساعتی که از این حادثه گذشت، قربانی نیز موفق به صحبت شد و ماجرای این حادثه را برای پلیس اینگونه تعریف کرد: «چند وقتی می‌شد که با این زن شریک بودم و با هم کاری می‌کردیم. ولی بعد از مدتی با هم به اختلاف رسیدیم و تا جایی که از این زن شکایت کردم و پرونده‌ای در دادسرا تشکیل شد. ما هر روز در کلانتری و دادسرا بودیم و هیچ وقت هم مشکلاتمان حل نمی‌شد. تا این که روز حادثه این زن با من تماس گرفت و گفت که بیا مشکلاتمان را حل کنیم. من هم که از درگیری‌ها بیمان خسته شده بودم قبول کردم و سر قرار رفتم. اما تا این زن را دیدم که قصد سوار شدن به خودرو را دارد، ناگهان همه جا تیره و تار شد و من فهمیدم مورد اسیدپاشی قرار گرفته‌ام.»

متهم در بیمارستان دستگیر شد

سرهنگ مرزبانی رئیس پلیس آگاهی استان کرمانشاه در مورد این حادثه به «شهروند» گفت: «عامل این اسیدپاشی که زنی ۴۵ ساله است، پس از حضورش در بیمارستان، از سوی کارآگاهان شناسایی و در کمتر از ۲۴ ساعت دستگیر شد و در حال حاضر هم در اختیار پلیس قرار دارد. در تحقیق از این زن مشخص شد که این حادثه دلخراش به دلیل مشکلات و اختلافات میان زن و پسر جوان رخ داده است.»

سرهنگ کیومرث عزیزی جانشین انتظامی استان کرمانشاه در مورد این پرونده گفت: «در تحقیقات به‌عمل آمده مشخص شد که زن ۴۵ ساله از قبل اسید تهیه کرده بود و روز حادثه با شریک کاری‌اش قرار گذاشت و پس از مشاجره‌ای که با مرد جوان داشته آن را روی بدن وی می‌ریزد.»

جانشین انتظامی استان کرمانشاه گفت: «پس از وقوع این حادثه مرد جوان که از ناحیه صورت، سینه، شکم و پا دچار سوختگی شده بود به بیمارستان طالقانی منتقل و تحت مداوا و درمان قرار گرفته‌است.»

وی گفت: «پس از کسب اطلاع از این حادثه همکاران ما به بیمارستان مورد نظر مراجعه و ضمن بازجویی از فرد آسیب‌دیده مشخصات آن زن را که اقدام به اسیدپاشی کرده گرفته و وی را دستگیر کردند.»

سرهنگ قنبری معاونت اجتماعی کرمانشاه نیز در پایان بـه «شـهروند» گفت: «پس از دستگیری این زن و اعترافات وی، مشخص شد که آنها گویا در کار تجارت با هم شریک بودند. در حال حاضر هم این پرونده برای رسیدگی بیشتر و صدور حکم مناسب در اختیار مقامات قضایی قرار گرفته‌است.»

یک مرد و پسر ۱۴ ساله قربانی دسیسه مرد آشنا شدند

رازگشایی ۲ جنایت در اعترافات یک دوست

پسرخاله‌های طمعکار برای تصاحب خانه میلیاردی دوست قدیمی، نقشه مرگباری را طراحی کردند

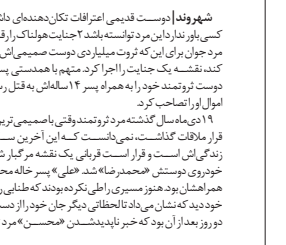

شهروند| دوست قدیمی اعترافات تکان‌دهنده‌ای داشت و هنوز کسی باور ندارد این مرد توانسته باشد ۲ جنایت هولناک را رقم زده باشد. مرد جوان برای این که ثروت میلیاردی دوست صمیمی‌اش را تصاحب کند، نقشه یک جنایت را اجرا کرد. متهم با همدستی پسرخاله‌اش، دوست ثروتمند خود را به همراه پسر ۱۴ ساله‌اش به قتل رساند و تمام اموال او را تصاحب کرد.

۱۹ دی‌ماه سال گذشته مرد ثروتمند وقتی با صمیمی‌ترین دوستش قرار ملاقات گذاشت، نمی‌دانست که این آخرین سکانس‌های زندگی‌اش است و قرار است قربانی یک نقشه مرگبار شود. سوار خودروی دوستش «محمدرضا» شد. «علی» پسر خاله محمدرضا هم همراهشان بود. هنوز مسیری را طی نکرده بودند که طنابی را دور گردن خود دید که نشان می‌داد تا لحظاتی دیگر جان خود را از دست می‌دهد. دو روز بعد از آن بود که خبر ناپدیدشدن «محسن» مرد ثروتمند به اطلاع پلیس رسید. ۲۲ دی‌ماه مردی به کلانتری رفت و از ناپدید شدن برادر ثروتمندش خبر داد. او به ماموران پلیس گفت: «برادرم که با پسر ۱۴ ساله‌اش به نام «پاشا» زندگی می‌کرد از دو روز پیش به همراه پسرش ناپدید شده و هیچ خبری از آنها نداریم.»

پس از اعلام این شکایت، تیم جنایی به دستور بازپرس «مدیروسنا» تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کرد و به بررسی تمام زوایای این موضوع پرداخت. هنوز هیچ اطلاعاتی در مورد سرنوشت مرد ثروتمند و پسرش در دست نبود و کارآگاهان تحقیقات خود را همچنان ادامه دادند. تا این که چند وقت بعد خبر رسید که تمام اموال محسن، مثل خودروی بی‌ام‌و، موتورسیکلت، وسایل قیمتی خانه‌اش و همچنین خانه گران‌قیمتش فروخته شده است. در حالی که تجسس‌های پلیس در این مورد ادامه داشت، ۱۲۰ روز پیش مردی که این اموال را فروخته بود، خیلی زود شناسایی و در یک عملیات دستگیر شد.

اعترافات هولناک

«محمدرضا» دوست صمیمی مرد ناپدید شده بود که در بازجویی‌های پلیسی سعی کرد منکر هرگونه دخالت در ناپدیدشدن «محسن» شود، ولی درنهایت، راز جنایتی هولناک را فاش کرد و جزییات توطئه مرگباری که به همراه پسرخاله‌اش کشیده بود را اینگونه تعریف کرد: «خیلی وقت بود که به ثروت «محسن» حسادت می‌کردم. برای همین یک روز با پسرخاله‌ام نقشه کشیدیم که از محسن کلاهبرداری کنیم و خانه‌اش را بفروشیم. نقشه را کشیدیم، روز ۱۹ دی ماه با پسرخاله‌ام به خانه «محسن» رفتیم و به بهانه‌ای از او خواستیم همراه ما بیاید. قرار بود او را به باغی در دماوند ببریم و در آن جا مجبورش کنیم گردن او انداخت و خفه‌اش کرد. شوکه شده بودم. اما علی ادعا داشت که با مرگ او راحت تر می‌توانیم به هدفمان برسیم. من حرفی نزدم و با هم اثر انگشت «محسن» را گرفتیم و بعد از انجام قرارداد جسدش را در آب سردسوزاندیم. بعد از آن به سراغ پسرش رفتیم. در حالی که به من اعتماد داشت و مرا عمو صدا می‌زد، همراهم آمد. من قصد کشتن او را نداشتم، اما پسرخاله‌ام گفت این پسر هم باید بمیرد. در راه متوجه شدم که پسر محسن حالش بد شده و فهمیدم که پسرخاله‌ام به او قرص برنج خورانده است. برای همین وقتی او هم مرد، جسدش را پیش جسد پدرش بردیم و سوزاندیم. جسد نیمه سوخته محمد را هم همانجا دفن کردیم. بعد تمام اموال را فروختیم و خانه را هم به قیمت یک‌میلیارد تومان به فروش رساندیم.»

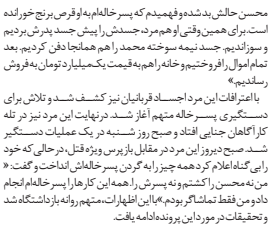

با اعترافات این مرد اجساد قربانیان نیز کشف شد و تلاش برای دستگیری پسرخاله متهم آغاز شد. درنهایت این مرد نیز در قله کارآگاهان جنایی افتاد و صبح روز شنبه در یک عملیات دستگیر شد. صبح دیروز این مرد در مقابل بازپرس ویژه قتل، درحالی که خود را بی‌گناه اعلام کرد همه چیز را به گردن پسرخاله‌اش انداخت و گفت: «من نه محسن را کشتم و نه پسرش را. همه این کارها را پسرخاله‌ام انجام داد و من فقط تماشاگر بودم.» با این اظهارات، متهم روانه بازداشتگاه شد و تحقیقات در مورد این پرونده ادامه یافت.

حادثه

افزایش تلفات جهنم مرگبار هندی‌ها

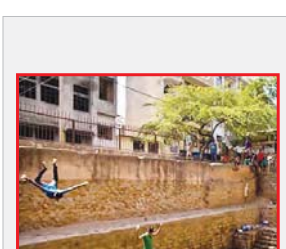

موج مرگبار گرما در هند درحالی ادامه دارد که آمار قربانیان به ۲۳۰۰ نفر رسید. به گزارش آسوشیتدپرس، وای کی ردی، مدیر اداره هواشناسی هند گفت: انتظار می‌رود گرمای شدید در برخی از مناطق ایالت‌های تلانگانا و آندرا پرادش که بیش از همه تحت تاثیر این موج گرما قرار گرفته‌اند، برای ۲۴ ساعت دیگر ادامه پیدا کند. به گفته مقامات ایالتی، عوارض ناشی از گرما، شامل کم‌آبی بدن و گرمازدگی، دست‌کم ۱۴۹۰ نفر را در آندرا پردائش و ۸۹۹ نفر را در تلانگانا از میانه ماه آوریل کشته است.

مقامات هندی می‌گویند اغلب کشته‌شدگان، فقرا، بی‌خانمان‌ها و همچنین کارگران ساختمانی هستند که در معرض تابش مستقیم آفتاب داغ این روزهای هند قرار دارند.

به نوشته سی‌ان‌ان، تنها یک سوم جمعیت ۱.۲ میلیارد نفری هند به برق دسترسی دارند و همین امر موجب شده تا میلیون‌ها نفر راهی برای فرار از گرمای کشنده نداشته باشند.

نبود برق موجب شده تا بسیاری از هندی‌ها به فروشگاه‌ها و اماکن عمومی پناه ببرند. از سوی دیگر، به اوج رسیدن استفاده از سیستم‌های خنک‌کننده در مناطقی که دسترسی به برق دارند، موجب بروز اختلال در سیستم انتقال نیرو در این کشور شده است.

اداره هواشناسی اعلام کرد پس از آنکه در هفته پیش دما تا ۴۸ درجه سلسیوس بالا رفت، روز شنبه درجه حرارت روزانه بین ۴۰ تا ۴۵ درجه سلسیوس نوسان داشت. باد و باران شدید همراه رعد و برق باعث شد تاحدی دما در شهر آناتاپور، شهری در آندرا پرادش، کاهش یابد، اما طوفان باعث ریشه‌کنی درختان و تیرهای چراغ برق و قطع برق در برخی از نواحی شد. مردم در شهر حیدرآباد در پایتخت ایالت تلانگانا و منطقه مهبوبناگار در این ایالت با ریزش بارانی به میزان ثبت‌شده یک‌سانتی‌متر نفس راحتی کشیدند.

اما به گفته اداره هواشناسی، دست کم در چهار منطقه- گانتور، کریشنا، گوادری شرقی در آندرا پرادش، و نالگوندا در تلانگانا- هنوز گرفتار موج گرما هستند و ۲۴ ساعت دیگر با ریزش باران در مناطق مجاور کاهش دما را تجربه خواهند کرد. انتظار می‌رود باران‌های موسمی خنک‌کننده هفته آینده به جنوب هند برسند و بعد به تدریج به سمت شمال پیش بروند. فصل باران‌های موسمی تا پایان ماه سپتامبر (شهریور) ادامه خواهد یافت.

سرویس پیش‌بینی هوای AccuWearher روز جمعه درباره شرایط خشکسالی شدید در هند هشدار داد، و اعلام کرد که باران‌های موسمی در هند ممکن است به علت فصل فعال‌تر باران‌های موسمی روی اقیانوس آرام دچار اختلال شود.

مکث

ضارب شهید علی خلیلی در چند قدمی قصاص

پرونده ضارب شهید علی خلیلی، طلبه ناهی از منکر به دادسرای اجرای احکام ارسال شد.

۳۵ تیرماه سال ۱۳۹۰ در یکی از محلات شرق تهران، شهید علی خلیلی ۱۹ ساله هنگام بازگشت از هیأت در حالی که همراه چند نفر از شاگردان یک مدرسه بود به واسطه امر به معروف و نهی از منکر مورد ضرب و شتم قرار گرفت که در نهایت بعد از گذشت حدود ۲ سال منجر به شهادت وی شد.

۲ خردادماه سال ۹۳ اولین جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده شهید علی خلیلی با ریاست قاضی حسین اصغرزاده و با حضور اولیای دم مقتول و نماینده دادستان در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد. در جریان برگزاری این دادگاه و پس از اظهارات اولیای دم و همین طور پس از دفاعیات متهم، در زمانی وکیل متهم در جایگاه حضور یافت و پس از ارایه لایحه دفاعی خود در ۵ صفحه به ریاست دادگاه، اظهار داشت: ما تقاضای بررسی نظریه پزشکی قانونی نسبت به قتل علی خلیلی را داریم مبنی بر این که چه مقدار جراحت وارده بر شهید علی خلیلی منجر به تسریع در مرگ وی شده است. با ابلاغ گزارش پزشکی قانونی به متهم، ۳۰ شهریور ماه دومین جلسه محاکمه ضارب شهید خلیلی برگزار شد و در نهایت دادگاه ضارب طلبه آمر به معروف و ناهی از منکر را به قصاص نفس محکوم کرد، اما با اعتراض متهم به رأی صادره، پرونده برای رسیدگی در مرحله تجدیدنظر به دیوان عالی کشور ارسال شد. سرانجام دوم خردادماه سال جاری سرپرست دادگاه‌های کیفری استان تهران در گفت‌وگو با خبرنگار قضایی خبرگزاری فارس از تأیید حکم قصاص ضارب شهید «علی خلیلی» از سوی دیوان عالی کشور خبر داد و گفت: حکم قصاص ضارب علی خلیلی از سوی دیوان عالی کشور تأیید شده و به‌زودی به اجرا در می‌آید.

آذر

انبار تجهیزات پزشکی در آتش سوخت

ساختمان دو طبقه قدیمی در خیابان ولیعصر تهران که تبدیل به انبار لوازم پزشکی شده بود، در محاصره آتش قرار گرفت.

ستاد فرماندهی آتش‌نشانی تهران با مطلع شدن از وقوع این حادثه بلافاصله آتش‌نشانان ایستگاه‌های ۱۸،۴۶،۱ و ۶۷ و همچنین یک دستگاه تردبان هیدرولیکی و خودروی حامل دستگاه تنفسی را ساعت ۱۸ عصر روز شنبه به محل حادثه در خیابان ولیعصر، نرسیده به خیابان جمهوری اعزام کرد. مرتضی اصفهانی مدیر منطقه ۵ عملیات سازمان آتش‌نشانی تهران در این مورد گفت: محل حادثه ساختمان دو طبقه قدیمی بود که آتش‌سوزی در طبقه دوم آن به وسعت ۱۵۰ مترمربع رخ داد. این مکان تبدیل به انبار شده بود که در آن مقادیر زیادی لوازم و کالای پزشکی مانند دستکش و اجناس پلاستیکی نگهداری می‌شد. طبقه دوم این ساختمان قدیمی که دارای سقف شیروانی با خرپاهای چوبی بود کاملا شعله‌ور شد و آتش به سقف آن نیز سرایت کرد و به سرعت درحال گسترش به ساختمان‌های اطراف بود. وی با اعلام این که دود بسیار زیادی از سقف و پنجره‌های آن بیرون می‌زد، تصریح کرد: آتش‌نشانان به محض رسیدن به محل حادثه، با توجه به وسعت و شدت این آتش‌سوزی از چهار جهت وارد عملیات مهار شعله‌های آتش شدند که با تلاش آنان از گسترش آتش جلوگیری شد. این مدیر عملیات آتش‌نشانی خاطرنشان کرد: وجود مواد قابل اشتعال فراوان در محل باعث آتش‌سوزی گسترده در ساختمان شد و شرایط خطرناکی ایجاد کرده بود که با سرعت عمل نیروهای عملیاتی از سرایت آتش به اطراف ممانعت به عمل آمد و آتش‌سوزی در همان محل شروع و داخل انبار و سقف آن خاموش شد. بنا به گفته وی در این حادثه یک کارگر دچار دودگرفتگی شده بود که توسط آتش‌نشانان از محل آتش‌سوزی خارج و تحویل عوامل اورژانس شد.

رهاسازی یک مصدوم از میان آهن‌پاره‌ها در سراب

نجاتگران جمعیت هلال‌احمر سراب در عملیات امدادی یک مصدوم را که در لای آهن‌پاره‌های خودروی تصادفی گیر کرده بود نجات دادند.

محمود اصلان پرویز رئیس جمعیت هلال‌احمر شهرستان سراب در تشریح عملیات گفت: این تصادف در جاده روستای قیصرق از توابع شهرستان سراب رخ داده بود که بر اثر آن ۳ نفر مصدوم شده بودند که یکی از سرنشینان داخل خودرو گیر افتاده بود که نجاتگران پایگاه امداد جاده‌ای بهرمان با استفاده از ست نجات، مصدوم را رها کردند.